

سرشناسه: نصیری، مهدی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: عصر حیرت: جستاری کلامی پیرامون حکمرانی فقهی و تمدن‌سازی دینی

در عصر غیبت و سیطره مدرنیته / مهدی نصیری.

مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹-۷۲۶۰۰۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation: موضوع

موضوع: مهدویت

Mahdism: موضوع

موضوع: ولایت فقیه

Wilayat al-faqih: موضوع

رده‌بندی کنگره: BP۲۲۴

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۹۲۴۹۸

© همه حقوق این اثر محفوظ است.

هرگونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص یا ترجمه همه یا بخشی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر و نویسنده ممنوع است و به موجب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» پیگرد قانونی دارد. نقل مطلب از این کتاب در حد متعارف و با ذکر منبع مجاز است.



عصر حیرت

جستاری کلامی پیرامون حکمرانی فقهی و تمدن‌سازی دینی
در عصر غیبت و سیطره مدرنیته

مهدی نصیری



عصر حیرت

جستاری کلامی پیرامون حکمرانی فقهی و تمدن سازی دینی
در عصر غیبت و سیطره مدرنیته

مهدی نصیری

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۰۰۶-۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

مدیر تولید: مریم یوسفی

صفحه آرایی: زهرا سادات موسوی فر- اکرم صادقی

طراح جلد: مسعود نجابتی

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴ ۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳ ۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

🌐 ketabtaha.com

📍 tahabooks

✉ ketabtaha@gmail.com

📷 ketabtaha

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	شیوه استفاده و استناد به روایات در این کتاب
۱۷	فصل اول: جایگاه انحصاری حجت معصوم در هدایت و جامعه سازی دینی
۲۰	نقش انحصاری و غیرقابل جایگزین حجت معصوم در امر هدایت و جامعه سازی دینی
۲۰	آیات
۲۹	روایات
۳۹	ضرورت وجود حجت معصوم برای مدیریت و هدایت جامعه در بیان متکلمان شیعه
۴۴	جمع بندی فصل
۴۵	پیوست فصل اول: ویژگی های تمدن تراز اسلام
۴۵	در ابعاد فردی
۴۶	در ابعاد جمعی و عمومی
۴۶	الف: در عرصه سیاست
۴۶	ب: در عرصه اقتصاد
۴۶	ج: در عرصه روابط اجتماعی
۴۷	د: عرصه فرهنگی و آموزشی
۴۷	ه: نظام سلامت و پزشکی
۴۷	و: نظام قضایی مبتنی بر عدالت و کارآمدی و جرم زدایی و عاری از ارتشا و فساد
۴۷	ز: استقرار امنیت در همه ابعاد آن (اقتصادی، اجتماعی و ...)

فصل دوم: نتیجه غیبت و عدم دسترسی به حجت معصوم در امر هدایت و جامعه سازی دینی ۴۹

- الف: عدم اتمام حجت از سوی خداوند بر مردم ۴۹
- ب: بیان صحیح شریعت متوقف شده و خداوند به درستی اطاعت و عبادت نخواهد شد. ۵۲
- ج: حق از باطل تشخیص داده نشده و مؤمنان دچار شبهه و اختلاف می شوند. ۵۵
- د: غیبت حجت معصوم موجب بروز خلل و منقصتی عظیم در دین و دنیای مردم است ۶۳
- ه: جهان و جامعه و مردم جز به حضور امام معصوم اصلاح نمی شود ۶۵
- نقش انحصاری حجت معصوم خداوند در هدایت امور مادی و سامان دهی معاش آدمی (جنبه مادی تمدن) ۷۰
- انتفاع از امام در عصر غیبت مانند انتفاع از خورشید پشت ابر ۷۱
- جمع بندی فصل ۷۴

فصل سوم: عصر غیبت، عصر حیرت ۷۵

- عصر غیبت و محرومیت از زلال معارف و احکام الهی ۷۶
- عصر حیرت و سرگردانی ۸۱
- گریه سوزناک امام صادق (علیه السلام) بر مصیبت های عصر غیبت و شک و تردید فراگیر و ارتداد اکثر شیعیان ۸۵
- عصر غیبت، عصر شبهه ۹۲
- تعبیر و روایت از شیعیان عصر غیبت به اهل ضلال (حیرانی) ۹۳
- اشاره برخی علما درباره حیرانی در عصر غیبت ۹۵
- عصر غیبت، عصر فروستگی و اندوه شیعه ۹۸
- جمع بندی فصل ۱۰۰

فصل چهارم: سقیفه و زخم التیام ناپذیری که بر پیکر رسالت وارد کرد ۱۰۳

جمع بندی فصل ۱۲۴

فصل پنجم: ظلمت آخر الزمان و قدر محدود اصلاح گری ۱۲۷

- شرایط سخت و اسف بار شیعه در عصر غیبت ۱۶۵
- همه اصناف پیش از ظهور به حکومت خواهند رسید و ناتوانی خود را در تحقق مطلوب عدالت تجربه خواهند کرد ۱۷۲

دولت اهل بیت آخرین دولت هاست	۱۷۳
دو روایت متفاوت درباره آخرالزمان	۱۷۷
جمع بندی فصل	۱۸۳
پیوست فصل پنجم: نفی سیر خطی پیشرفت و تکامل علمی و معنوی در تاریخ	۱۸۵

فصل ششم: عصر غیبت و کارکرد فقه و فقها ۱۹۱

رجوع به فقه در عصر غیبت از باب اضطرار است	۱۹۵
فقه عصر غیبت؛ کمبود علم و وفور ظن	۱۹۷
انفتاح باب علم یا انسداد؟	۱۹۹
مُصَوِّبه و مُخَطَّئه	۲۰۲
وجود اختلافات فراوان در میان فقها دلیلی دیگر بر حیرانی در عصر غیبت	۲۰۲
آیا قاعده لطف راه گشا و حیرت زدا نیست؟	۲۰۶
رد قاعده لطف در اثبات حجیت اجماع	۲۰۷
جمع بندی فصل	۲۰۹
پیوست اول فصل ششم: عوامل و علل اختلاف فتاوی فقها در عصر غیبت	۲۱۱
پیوست دوم فصل ششم: نمونه هایی از مسائل اختلافی بین عالمان و فقهای معاصر	۲۱۹
۱. فتوای امام خمینی درباره موسیقی	۲۱۹
۲. فتوای فقها درباره شرکت در انتخابات و حضور اجتماعی و سیاسی زنان ...	۲۲۲
۳. اختلاف نظر در مورد فلسفه و عرفان	۲۲۹

فصل هفتم: مدرنیته مانعی بزرگ بر سر راه تحقق تمدن اسلامی ۲۳۳

مدرنیته چیست؟	۲۳۳
ورود مدرنیته به ایران	۲۳۶
آسیب های حاصل از سیطره مدرنیته در ایران	۲۴۰
جمع بندی فصل	۲۴۶

فصل هشتم: عصر غیبت، عصر بلا تکلیفی مطلق و قعود نیست ۲۴۷

دستوری جامع درباره وظایف شیعیان در عصر غیبت	۲۵۹
جمع بندی فصل	۲۶۱

پیوست‌های پایانی

پیوست ۱: ولایت فقیه در عصر غیبت ۲۶۵

پیوست ۲: تحلیلی پیرامون روایات منع از قیام قبل از ظهور و قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۹

زمینه و بافت تاریخی صدور روایات منع از قیام ۲۶۹

روایتی دیگر درباره سکوت و خانه‌نشینی در عصر غیبت ۲۹۰

ادله‌ای دیگر در رد دیدگاه عدم مشروعیت قیام قبل از ظهور ۲۹۲

مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی مسلمین ۲۹۳

آیات ۲۹۴

روایات ۲۹۵

فرضیه مهم امر به معروف و نهی از منکر ۲۹۶

نهی شدید امام صادق علیه السلام از تحاکم و داوری بردن نزد طاغوت ۳۰۱

تأیید برخی قیام‌ها و حرکت‌های انقلابی در دوران غیبت در روایات ۳۰۳

انقلاب اسلامی، قیامی در دفاع از کیان دین و مذهب ۳۰۵

جمع‌بندی ۳۰۶

پیوست ۳: آیا تمدن‌سازی اسلامی شرط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟ ۳۰۹

ظهور در بستری از اعجازها و امدادهای الهی رخ می‌دهد ۳۱۵

پیوست ۴: نتایج متفرع بررهیافت کلامی عصر حیرت ۳۱۹

نتایج سیاسی ۳۱۹

نتایج اجتماعی ۳۲۴

نتایج فقهی ۳۲۵

نتایج معرفتی و عقیدتی ۳۲۶

منابع ۳۳۱

الف) کتاب‌ها ۳۳۱

ب) مقالات ۳۳۷

نمایه ۳۳۹

اشخاص، کتاب‌ها، مکان‌ها ۳۳۹

گروه‌ها و جریان‌ها ۳۴۳

مفاهیم و اصطلاحات ۳۴۴

مقدمه

انقلاب اسلامی فارغ از هراگزیه و مبنای فقهی و دینی برای وقوع آن، از این جهت که رژیمی را ساقط کرد که در پی هدم کیان دین بود و حتی تاریخ هجری شمسی را که صبغه‌ای از اسلام داشت تحمل نکرد و تبدیل به تاریخ شاهنشاهی کرد و اگر فرصت و میدان می‌یافت، الگوی آتاتورک را در ایران اجرا می‌کرد، یک ضرورت عقلی و شرعی بود.

در چنین شرایطی، سخن از امکان یا عدم امکان تحقق تمدن تراز دین در عصر غیبت و روزگار سیطره مدرنیته و یا حیطه اختیارات ولی فقیه و یا مشروعیت یا عدم مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت، بی‌وجه است؛ چرا که وجوب دفاع از کیان و موجودیت دین، امری متفق علیه بین همه فقها است.

ضمناً اگر چنین رژیمی در چند قرن پیش بود و فقها و متدینان برای اسقاط آن بسیج می‌شدند و با حصول نتیجه، مثلاً بر مبنای تئوری ولایت فقیه در امور حسبه، دخالت مستقیم در امر حکومت نمی‌کردند، امری قابل فهم بود و خطر از سر دین مرتفع شده بود؛ اما در عصر جدید و تلاش نظام‌های استعماری و تمامیت‌خواه مدرن برای تسلط بر عالم و گسترش بی‌وقفه هژمونی خود، دیگر به سادگی نمی‌توان از کناره‌گیری از حکومت

سخن گفت و با استناد به تئوری ولایت فقیه در امور حسبه، از حفظ کیان دین و مذهب اطمینان حاصل کرد و لذا ضرورت نظریه ولایت مطلق فقیه در روزگار کنونی، فارغ از ادله مستقل دیگری که به نفع آن وجود دارد، ملموس می‌شود.

فارغ از این موضوع، اما می‌توان در این باره که الگوی حکومتی فقهی و دینی مبتنی بر ولایت مطلق فقیه در عصر غیبت و به‌ویژه زمانه کنونی چگونه باید باشد تا حداکثر منافع ممکن را برای دین و کشور و مردم تأمین کند، بحث‌های فراوان کرد و دیدگاه‌های متنوع و مختلفی را مطرح نمود. دیدگاه غالب و مشهور این است که نظام اسلامی باید مجدانه در پی اجرای احکام شریعت و تحقق ارزش‌های الهی و ساخت حکومت و جامعه‌ای تراز دین، یعنی آنچه هدف از بعثت انبیا و ارسال رسولان بوده، باشد و ظرف سال‌های اخیر، این دیدگاه با عنوان ساخت تمدن اسلامی مطرح شده است.

این کتاب در پی آن است به طرح دیدگاهی دیگر و نه البته متضاد، بلکه تا حدودی متفاوت بپردازد.

نقطه آغاز و عزیمت این دیدگاه این است که این اندیشه و ذهنیت را که برای تحقق یک حکومت و جامعه و تمدن تراز دین، تفاوت چندانی بین وضعیت حضور انبیا و حجج معصوم الهی علیهم‌السلام و عدم حضور آنان وجود ندارد و غیبت امام معصوم مانعی جدی و اساسی در ایجاد و ساخت جامعه و حکومت تراز دین نیست و در عصر غیبت، در صورت قبضه قدرت سیاسی از سوی فقها، آنان از عهده این مهم در حدی مطلوب و قابل قبول برخوانند آمد، به پرسش و نقد بگيرد.

طرح این پرسش و دیدگاه در آغاز انقلاب و حتی یک دهه اخیر صعب و سخت می‌نمود، اما به نظر می‌رسد با گذشت چهل سال از استقرار نظام

جمهوری اسلامی و کسب تجربه‌های بسیار در امر حکمرانی و مواجهه با تنگناها و ناکامی‌های فراوان در عین دستاوردهایی عظیم و افتخاربرانگیز، گوش‌های فراوانی آماده شنیدن آن باشند و به سرعت تخطئه و طرد نشود.

این دفتر در صدد واری و نقد دیدگاه «امکان تحقق تمدن تراز دین در عصر غیبت و روزگار سیطره مدرنیته» است و بر این باور است که اکنون دیگر نمی‌توان به سهولت و بساطت سال‌های قبل و آغاز انقلاب، سخن از تحقق آرمان‌ها و ارزش‌ها و ساخت جامعه‌ای با محوریت موازین و احکام دینی به نحو مطلوب و رضایت‌بخش گفت؛ اگرچه امکان تحقق نسبی آن را هم نمی‌توان و نباید نفی کرد که البته میزان توفیق آن، بستگی به عوامل مختلف از جمله نقشه راهی سنجیده و درست و چگونگی عملکرد مسئولان و دستگاه‌های حکومتی دارد.

مقصود از تعبیر جامعه و تمدن «تراز دین» در این کتاب، جامعه و تمدن مهدوی علیه السلام نیست - که کسی خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب مدعی تحقق آن نبوده است - بلکه مقصود، تحقق احکام و ارزش‌های دینی - آن‌گونه که از قرآن و سنت و اسنادی متعالی چون نهج البلاغه و یا آنچه اساتید دانشمند و فرهیخته، برادران حکیمی در موسسه گران سنگ الحیة تحقیق و تدوین کرده‌اند، فهمیده می‌شود - در حدی مثلاً هفتاد - هشتاد درصدی می‌باشد.

اکنون سؤال این است که آیا می‌توان در عصر غیبت و روزگار سیطره مدرنیته، جامعه‌ای تراز آموزه‌های کتاب و سنت و فقه موجود با محوریت قرائت و فتاوی فقیهانی انقلابی چون امام خمینی رحمه الله ساخت که در ابعاد فردی و جمعی (اعم از اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...) تحت حاکمیت و نفوذ احکام و آرمان‌های دینی و فقهی در حدی قابل قبول و رضایت‌بخش باشد یا خیر؟

ما در این کتاب با ارائه چند فصل نشان خواهیم داد که حضور مبسوط‌الید حجت معصوم الهی همراه با حاکمیت بدون مانع و همراه با اقبال مردمی، شرط اساسی تحقق جامعه و تمدنی است که در آن احکام و معیارها و ارزش‌های دینی در حدی مقبول و رضایت‌بخش حاکم و نافذ و جاری باشد؛ و بدون چنین حضور و حاکمیتی، تحقق جامعه و تمدنی در تراز اسلام‌شناسی و فقه موجود و کنونی شیعه با همه کاستی‌هایش، که بتوان مدعی شد شاخصه‌های یک جامعه دینی رضایت‌بخش را در همه عرصه‌های فردی و جمعی دارد، نیز قابل تحقق نیست.

به عبارت دیگر، ما طی صفحات آتی، با استناد به ادله قرآنی و روایی توضیح خواهیم داد که شرط ارائه و اقامه مطلوب و مقبول دین در عرصه‌های فردی و جمعی، حضور مبسوط‌الید حجت معصوم الهی است و بدون وجود چنین شرطی، آنچه در نهایت قابل تحقق است - حتی در شرایط برپایی حکومت دینی با محوریت ولایت فقیه جامع‌الشرایط - نسبتی محدود و حداقلی از دین و احکام و ارزش‌های دینی است که بسته به میزان فعالیت و تلاش مؤمنان و نحوه حکمرانی فقیه حاکم، موفقیت آن کم یا زیاد می‌شود. ضمن اینکه در روزگار کنونی، مانعی دیگر به نام مدرنیته و تمدن جدید غرب وجود دارد که این نسبت و توان را در قیاس با دوران ماقبل مدرن، به شدت محدود می‌کند.

۱. ممکن است گفته شود تفاوت این حرف با حرف روشنفکرانی که از دین حداقلی سخن می‌گویند چیست؟ پاسخ: اگر منظور از دین حداقلی این است که عرصه‌هایی از حیات فردی و جمعی، از حاکمیت احکام دین مستثنا می‌شود و دین در این حیطه‌ها حکمی ندارد، (همان‌طور که عده‌ای از روشنفکران دینی می‌گویند) این همان اعتقاد مردود درباره حیطه نفوذ و حاکمیت دین است؛ اما اگر مقصود این باشد که در شرایطی امکان تحقق تنها حدی محدود و نسبی از دین و احکام آن به دلیل بروز موانعی چون غیبت و یا عدم بسط ید حجت معصوم مقدور و میسر است، ربطی به سکولاریسم ندارد.

البته در یکی از فصول پایانی کتاب توضیح خواهم داد که محدودیت مؤمنان در عصر غیبت و روزگار کنونی برای تحقق احکام و آرمان‌های دینی، نه به معنای مکلف نبودن به تلاش برای تحقق چنین امکانی است و نه به معنای کم‌فایده و بی‌ارزش بودن آن؛ بلکه اساساً باب اصلاح‌گری و تکلیف برای بهتر کردن وضعیت، در هر شرایطی مفتوح بوده و قعود و بی‌عملی و عدم مسئولیت در برابر مفساد و مظالم، بر خلاف آموزه‌های قرآنی و روایی و عقلانیت است. همچنین در بخش پایانی کتاب درباره نتایج متفرع بر این بحث، توضیحات و مطالبی را ارائه خواهم کرد.

شیوه استفاده و استناد به روایات در این کتاب

روشن است اگر کسی خواسته باشد از موضع دین و تشیع سخنی بگوید و ایده‌ای را مطرح کند، باید به طور روشمند مستند به کتاب و سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام و عقل (با تعریف و تصویری که از حیطه حجیت آن در کلام و فقه مورد بحث قرار گرفته است) باشد. ابزار و منطق استنباط و استناد به کتاب و سنت، دانش اصول فقه است، آن‌گونه که علما و فقهای تشیع از آن استفاده می‌کنند.

مواجهه نگارنده با روایات مبتنی بر مبنای رجالی حجیت حدیث موثق به و صحیح قدما می‌ماند شیوه مواجهه مشهور و اکثریت قاطع محدثان و متکلمان و فقهای شیعه است که اگر حدیث و روایتی در متون معتبر روایی متقدم نقل شده باشد و لو آنکه سلسله رجال سند آن همگی عادل و موثق نباشند و یا حتی مُرسَل باشد اما در تعارض با محکّمات کتاب و سنت و بداهت و قطعیات عقل نباشد و به خصوص اگر با آیات و روایات و عقل، معاضدت و تأیید شود و محفوف به قرائن اطمینان‌آور باشد، چه در عقاید و اخلاق و چه در فقه و تاریخ و دیگر عرصه‌ها، آن را معتبر و حجت می‌دانم.

بدیهی است در مورد روایاتی که راویان و ناقلان آن متهم به جعل در موضوعاتی چون غلو و تصوف و طب و تاریخ و ... باشند، باید بررسی دقیق تری نسبت به اعتبار آنها صورت بگیرد و تا اطمینان از عدم جعل آن حاصل نشود و قرائن صحت برای محتوای آنها یافت نگردد، مورد استناد و اعتنا قرار نگیرد.

همچنین در موضوعات مهم اعتقادی و غیر اعتقادی نمی توان با استناد به خبر یا اخباری واحد که عاری از قرائن اطمینان بخشی صحت و اعتبار است، ایده و حکمی را اثبات و بر اساس آن دین ورزی کرد، هر چند که اقدام به تکذیب آن روایت نیز نمی توان کرد و باید آن را در بوته اجمال و ابهام گذاشت.

براین اساس، در مورد روایات استنادی در این کتاب، توجه داشته ام که اولاً روایت از کتب معتبر و متقدم حدیثی شیعه مانند آثار کلینی و صدوق و طوسی و مفید و ... نقل شده باشد و ثانیاً نسبت به عدم تعارض آن با محکمات قرآن و سنت و عقل اطمینان حاصل شود. ثالثاً اگر روایتی دارای معارض باشد، رفع تعارض صورت گیرد. رابعاً تلاش لازم برای یافتن مؤیدات و قرائن اطمینان آور نسبت به صحت مفاد آن به انجام رسیده باشد.

به جرأت می توانم بگویم که مدعیات اصلی و اساسی این کتاب مستظهر به روایات مستفیض و متواتر معنوی است که موجب حصول اطمینان نسبت به صحت آنها است.

با این همه، این بدان معنا نیست که ادعای عدم خطای در فهم و استنباط، و قطع و یقین به صحت همه نتایجی که گرفته ام، داشته باشم. و اساساً محوری ترین مدعای این کتاب این است که در عصر غیبت و با فقدان حجت معصوم خداوند، ادعای قطع و یقین در فراتر از مسلمات دین و مذهب و عقل، به سادگی میسر و مقدور نیست و همه در ظنون

غوطه‌وریم؛ اما با این وجود، باب مراجعه به قرآن و سنت و تلاش برای فهم بهتر و درست‌تر و نزدیک‌تر به حقیقت بسته نبوده و بلکه مکلف به مراجعه هستیم و طبعاً هر کسی که بتواند قوت و دقت استدلال و استناد خود را به منابع دین بیشتر نشان دهد، شاید در جلب ذهن و جان حق‌طلبان موفق‌تر باشد.

تذکر یک نکته: خواندن فقط بخشی از کتاب و عدم مطالعه کامل آن می‌تواند منشأ سوء تفاهم یا ناقص فهمیدن مقصود و مراد نگارنده باشد. بر این اساس شاید نزدیک نشدن به کتاب بر مطالعه بخشی و جزئی از آن ترجیح داشته باشد.

والحمد لله رب العالمین

مهدی نصیری

آذر ۱۳۹۸ شمسی